

مرکز تحقیقات دارالحدیث (پڑوہشگاہ قرآن وحدیث): ۹۴

محمّدی ری شهری، محمد، ۱۳۲۵ -

[موسوعة الأحادیث الطبیّة، ترجمه فارسی]

دانش‌نامه احادیث پزشکی / محمد محمّدی ری شهری؛ نویسنده همکار: مرتضی خوش نصیب [و دیگران]؛ ترجمه

حسین صابری. - قم: دارالحدیث، ۱۴۲۶ ق = ۱۳۸۴.

۶۷۲ ص. - (مرکز تحقیقات دارالحدیث: ۹۴)

ISBN: 978 - 964 - 493 - 029 - 4

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیما.

کتاب‌نامه به صورت زیرنویس.

۱. پزشکی - احادیث. ۲. احادیث اهل سنت - قرن ۱۴. ۳. احادیث شیعه - قرن ۱۴. الف. خوش نصیب،

مرتضی، ۱۳۴۲. - نویسنده همکار. ب. صابری، حسین، ۱۳۴۵. - مترجم. ج. عنوان.

۲۹۷/۲۱۲

BP ۱۴۱/۵/پ۴م۳۰۴۱۱۳۸۴

فهرست‌نویسی پیش از انتشار، توسط کتاب‌خانه تخصصی دارالحدیث قم

دانش نامہ احادیث پزشکی

محمدی ای شہری

باہمکاری

مرضی خوش نصیب، محمد تقی بجان نیا،

رسول افقی، احمد سعادت فر

ترجمہ

دکتر حسین صابری



پژوهشگاه قرآن و حدیث

دانش نامه احادیث پزشکی

محمد محمدی ری شهری

با همکاری: مرتضی خوش نصیب، محمدتقی سبحانی نیا،

رسول افقی، احمد سعادت فر

ترجمه: دکتر حسین صابری

تحقیق: پژوهشکده علوم و معارف حدیث / ۹۴

سر ویراستار: محمدهادی خالقی

ویراستار: سید محمد دلال موسوی، محمد باقری زاده اشعری

نمونه خوانی: محمود سپاسی، مصطفی اوجی، علی نقی نگران، حیدر وائلی

صفحه آرایی: سید علی موسوی کیا

خوش نویسی: حسن فرزنانگان



مؤسسه انتشاراتی دارالحدیث

ناشر: سازمان چاپ و نشر دارالحدیث

چاپ: بیست و چهارم / ۱۳۹۸

چاپخانه: دارالحدیث

شمارگان: ۱۰۰۰

قیمت: ۸۰۰۰۰ تومان

دفتر مرکزی: قم، میدان شهدا، خیابان معلم، پلاک ۱۲۵ تلفن: ۰۲۵ - ۳۷۷۴۰۵۲۳ / فاکس: ۰۲۵ - ۳۷۷۴۰۵۷۱ /

ص. پ ۴۴۶۸ / ۳۷۱۸۵

نمایشگاه دائمی علوم حدیث (قم، خیابان معلم) تلفن: ۰۲۵ - ۳۷۷۴۰۵۴۵ / فروشگاه شماره «۲» (قم، خیابان معلم،

مجتمع ناشران، طبقه همکف پلاک ۲۹) تلفن: ۰۲۵ - ۳۷۸۴۲۳۰۹ / ۰۲۵ - ۳۷۸۴۲۳۱۰

فروشگاه شماره «۳» (شهر ری، حرم حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام درب شرقی ۷) تلفن: ۰۲۱ - ۵۵۹۵۲۸۶۲

فروشگاه شماره «۴» (شهر ری، حرم حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام درب جنوبی) تلفن: ۰۲۱ - ۵۱۲۲۴۴۹۳

<http://darolhadith.ir>

darolhadith.20@gmail.com

ISBN: 978 - 964 - 493 - 029 - 4

<http://shop.darolhadith.ir>

* کلیه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.



۳ ۴ ۰ ۱ ۴ ۷ ۷ ۰ ۰ ۳ ۲ ۴ ۷

فهرست اجمالی

۱۱ پیش‌گفتار

بخش اول: پزشکی

۳۳ فصل یکم: پزشکی از دیدگاه اسلام

۴۵ فصل دوم: آداب طبابت و وظائف طبیب

۶۱ فصل سوم: توصیه‌های پزشکی

بخش دوم: بیماری

۸۵ فصل یکم: تعریف بیماری

۸۷ فصل دوم: شماری از حکمت‌های نهفته در بیماری‌ها

۸۹ فصل سوم: منافع بیماری

۱۰۳ فصل چهارم: وظائف بیماران

۱۱۱ فصل پنجم: پرستاری

۱۱۹ فصل ششم: عیادت بیماران

بخش سوم: مباحث مربوط به اندام‌ها و دستگاه‌های بدن

۱۳۳	فصل یکم: قلب و عروق
۱۴۱	فصل دوم: مغز و اعصاب
۱۵۹	فصل سوم: چشم
۱۷۷	فصل چهارم: گوش
۱۸۱	فصل پنجم: دستگاه تنفس
۱۹۵	فصل ششم: دهان و دندان
۲۲۱	فصل هفتم: دستگاه گوارش
۲۴۵	فصل هشتم: خون و سپرز
۲۵۱	فصل نهم: پوست
۲۷۵	فصل دهم: مو
۲۸۹	فصل یازدهم: ناخن
۲۹۳	فصل دوازدهم: استخوان‌ها
۳۰۱	فصل سیزدهم: دستگاه تناسل و دفع ادرار
۳۳۵	فصل چهاردهم: جنین

بخش چهارم: تأثیر خوردن و آشامیدن در سلامت و بیماری

۳۵۹	فصل یکم: کم‌خوری
۳۶۵	فصل دوم: پرهیز
۳۶۹	فصل سوم: گرسنگی کشیدن
۳۷۵	فصل چهارم: پُر‌خوری
۳۸۷	فصل پنجم: آداب غذا خوردن

فهرست اجمالی ۷

فصل ششم: آداب خوردن گوشت ۴۱۳

فصل هفتم: آداب خوردن میوه ۴۲۱

فصل هشتم: آداب آشامیدن ۴۲۵

فصل نهم: نوبت‌های غذا ۴۳۳

بخش پنجم: درمان با غذاها و گیاهان دارویی

فصل یکم: تُرُنَج ۴۴۵

فصل دوم: آلو ۴۴۹

فصل سوم: برنج ۴۵۱

فصل چهارم: بادروج (خوک) ۴۵۳

فصل پنجم: بادمجان ۴۵۷

فصل ششم: باقلا ۴۵۹

فصل هفتم: پیاز ۴۶۱

فصل هشتم: خربزه ۴۶۳

فصل نهم: تخم‌مرغ ۴۶۷

فصل دهم: سیب ۴۷۳

فصل یازدهم: تلپینه ۴۷۷

فصل دوازدهم: خرما ۴۷۹

فصل سیزدهم: انجیر ۴۸۵

فصل چهاردهم: سیر ۴۸۷

فصل پانزدهم: پنیر ۴۸۹

فصل شانزدهم: چرچیر ۴۹۳

فصل هفدهم: زردک ۴۹۷

- ۴۹۹ فصل هیجدهم: گردو
- ۵۰۱ فصل نوزدهم: هزار اسپند
- ۵۰۳ فصل بیستم: شنبلیله
- ۵۰۵ فصل بیست و یکم: شیرینی
- ۵۰۷ فصل بیست و دوم: نخود
- ۵۰۹ فصل بیست و سوم: نان
- ۵۱۳ فصل بیست و چهارم: کاهو
- ۵۱۵ فصل بیست و پنجم: سرکه
- ۵۱۹ فصل بیست و ششم: انار
- ۵۲۵ فصل بیست و هفتم: مویز
- ۵۲۹ فصل بیست و هشتم: زیتون
- ۵۳۳ فصل بیست و نهم: آویشن
- ۵۳۵ فصل سی‌ام: مُشکک
- ۵۳۷ فصل سی و یکم: پیّه
- ۵۴۳ فصل سی و دوم: شکر
- ۵۴۷ فصل سی و سوم: شلغم
- ۵۴۹ فصل سی و چهارم: چغندر
- ۵۵۱ فصل سی و پنجم: روغن حیوانی
- ۵۵۳ فصل سی و ششم: سیّا (سنا)
- ۵۵۵ فصل سی و هفتم: سَویق
- ۵۶۳ فصل سی و هشتم: پیّه
- ۵۶۵ فصل سی و نهم: عدس
- ۵۶۷ فصل چهلم: عسل

۵۷۳	فصل چهل و یکم: انگور
۵۷۵	فصل چهل و دوم: عُنَّاب
۵۷۷	فصل چهل و سوم: سِنِجِد
۵۷۹	فصل چهل و چهارم: تُّرْب
۵۸۱	فصل چهل و پنجم: خُرْفَه
۵۸۳	فصل چهل و ششم: خیار
۵۸۵	فصل چهل و هفتم: کدو
۵۸۷	فصل چهل و هشتم: کباب
۵۸۹	فصل چهل و نهم: تره
۵۹۳	فصل پنجاهم: کَرْفَس
۵۹۵	فصل پنجاه و یکم: قارچ
۵۹۹	فصل پنجاه و دوم: گلابی
۶۰۱	فصل پنجاه و سوم: کُنْدُر
۶۰۳	فصل پنجاه و چهارم: شیر
۶۰۷	فصل پنجاه و پنجم: گوشت
۶۱۷	فصل پنجاه و ششم: لوبیا
۶۱۹	فصل پنجاه و هفتم: ماش
۶۲۱	فصل پنجاه و هشتم: نمک
۶۲۳	فصل پنجاه و نهم: هَلِیم
۶۲۵	فصل شصتم: کاسنی
۶۲۷	فهرست ها

پیش گفتار

اهمیت پزشکی

در حوزه علوم بشری، پزشکی، سرآمد همه دانش‌هاست؛ چرا که فلسفه سایر علوم، بهره‌وری انسان از مواهب زندگی است و این هدف، جز در پرتو سلامت جسم و جان، میسر نیست.^۱ از این رو، امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

وَأَعْلَمُ أَنَّهُ لَا عِلْمَ كَطَلَبِ السَّلَامَةِ، وَلَا سَلَامَةَ كَسَلَامَةِ الْقَلْبِ.^۲

بدان که نه هیچ دانشی چون جُستن سلامت است و نه هیچ سلامتی چون سلامتِ دل.

این سخن، به روشنی نشان می‌دهد که از نگاه اسلام، طب روان، ارجمندتر از طب تن، و طب تن، ارزشمندتر از سایر علوم است. این حدیث نبوی نیز بدین معنا اشاره دارد که می‌فرماید:

الْعِلْمُ عِلْمَانٍ : عِلْمُ الْأَدْيَانِ وَعِلْمُ الْأَبْدَانِ.^۳

دانش بر دو گونه است: دانش دین‌ها و دانش بدن‌ها.

طبابت، کار خداوند است

قرآن کریم، از ابراهیم خلیل علیه السلام نقل می‌کند که فرمود:

۱. چنان که از امیرمؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام روایت شده که فرمود: «بِالْعَافِيَةِ تَوْجَدُ لَذَّةَ الْحَيَاةِ؛ لَذَّتْ زَنْدَقِي بَا عَافِيَتِ» (سلامت) به دست می‌آید» (غررالحکم: ح ۴۲۰۷).

۲. ر.ک: ص ۳۳ ح ۴.

۳. ر.ک: ص ۳۳ ح ۱.

﴿وَإِذَا مَرَضْتُ فَبَهُوَ يَشْفِينِ﴾^۱

و چون بیمار شوم، او (خداوند) شفایم می‌دهد.

این سخن، بدین معناست که طبابت، کار خداوند متعال است و طبیب واقعی اوست.^۲ خداوند است که خواص درمانی را در داروها نهاد و در نظام آفرینش، برای هر دردی دارویی آفرید^۳ و به انسان، استعداد شناخت دردها و داروها و چگونگی درمان آنها را عنایت کرد و بدین سان، او را مظهر نام‌های «طبیب» و «شافی» خود، قرار داد، چنان که پیامبران الهی نیز (برای درمان بیماری‌های جان) مظهر این نام‌های مقدس هستند. امام علی علیه السلام، در توصیف پیامبر خدا می‌فرماید:

طَبِيبٌ دَوَّارٌ بِطَبِّهِ، قَدْ أَحْكَمَ مَرَاهِمَهُ، وَأَحْمَى مَوَاسِمَهُ، يَضَعُ ذَلِكَ حَيْثُ الْحَاجَةُ إِلَيْهِ، مِنْ قُلُوبٍ عُمِيٍّ، وَأَذَانٍ صُمٍّ، وَالسِّنِّ بِكُمْ، مُتَّبِعٌ بِدَوَائِهِ مَوَاضِعَ الْعَفْلَةِ، وَمَوَاطِنَ الْحَيْرَةِ.^۴

طیبی بود که طبابت را بر بالین بیماران می‌برد، مرهم را درست برجایی که باید، می‌نهاد و آن‌جا که بایسته بود، داغ می‌نشاند. او این همه را بدان جا می‌رساند که نیازمندش بود: دل‌های بی فروغ، گوش‌های ناشنوا و زبان‌های ناگویا. با درمان خویش، منزلگاه‌های بی خبری و جایگاه‌های سرگستگی انسان را می‌جست.

بنا بر این، از نگاه اسلام، طبیب و دارو خواه برای روح (جان / روان)، و خواه برای تن (بدن / جسم)، تنها نقش یک واسطه را در نظام حکیمانه آفرینش ایفا می‌کنند و درمان کننده، فقط خداوند متعال است.

دانش‌نامه احادیث طبی

هر چند از نظر لغت^۵ و متون اسلامی، «طب»، شامل درمان بیماری‌های جسم و جان است و درمان کنندگان جسم هم مانند درمان کننده جان، مظهر اسمای حسناى الهی هستند،

۱. شعرا، آیه ۸۰.

۲. ر.ک: ص ۴۲ (پزشکی از دیدگاه اسلام / شفا از خداوند است).

۳. ر.ک: ص ۳۹ (پزشکی از دیدگاه اسلام / هر دردی را درمانی است).

۴. نهج البلاغه: خطبة ۱۰۸.

۵. الطب: «علاج الجسم والنفس؛ طب، به معنای درمان تن و روان است» (القاموس المحيط: ج ۱ ص ۹۶).

و افزون بر این، «طبّ تن» و «طبّ روان»، ارتباط بسیار نزدیکی با هم دارند (به گونه‌ای با تدبیر روانی می‌توان شماری از بیماری‌های جسمانی را علاج کرد و به عکس، با درمان جسمانی، پاره‌ای از بیماری‌های روانی را می‌توان درمان نمود)؛ اما طبّ تن و طبّ جان، در نوشتارهای اسلامی دو موضوع مستقل‌اند. «طبّ روان»، موضوع علم اخلاق است و اصطلاحاً به آن طب اطلاق نمی‌شود. بنا بر این، *دانش‌نامهٔ احادیث طبّی*، تنها احادیثی را در خود جای داده است که در آنها بهداشت و یا درمان بیماری‌های جسمی مطرح شده است. پیش از آشنایی با متن این احادیث، لازم است در سه فصل، مطالب زیر توضیح داده شود:

۱. جایگاه طب در قوانین اسلامی؛
۲. ارزیابی کلی احادیث طبّی؛
۳. مراحل تحقیق و تدوین *دانش‌نامهٔ احادیث طبّی*.

WWW.Ketaboon.com

جایگاه طب در قوانین اسلام

فلسفه احکام و قوانین اسلامی، تکامل مادی و معنوی جامعه انسانی است. از نگاه اسلام، بزرگ‌ترین نعمت الهی، سلامت جسم و بزرگ‌تر از آن، سلامت جان است. همچنین، خطرناک‌ترین بلاها، بیماری جسم و خطرناک‌تر از آن، بیماری جان است. متن سخن امام علی علیه السلام در این باره چنین است:

إِنَّ مِنَ الْبَلَاءِ الْفَاقَةَ، وَأَشَدُّ مِنْ ذَلِكَ مَرَضُ الْبَدَنِ، وَأَشَدُّ مِنْ ذَلِكَ مَرَضُ الْقَلْبِ، وَإِنَّ مِنَ النِّعَمِ سَعَةَ الْمَالِ، وَأَفْضَلُ مِنْ ذَلِكَ صِحَّةُ الْبَدَنِ، وَأَفْضَلُ مِنْ ذَلِكَ تَقْوَى الْقُلُوبِ.^۱

یکی از گرفتاری‌ها تنگ‌دستی است. سخت‌تر از آن، ناتن‌درستی است و سخت‌تر از آن هم بیماری دل؛ و یکی از نعمت‌ها توانمندی مالی است و برتر از آن، تن‌درستی است و بهتر از آن نیز تقوای دل‌ها.

مسئله این است که اگر بیماری، خطرناک‌ترین بلا و سلامت، بزرگ‌ترین نعمت است، اسلام که تکامل و سعادت انسان را هدف خود قرار داده، برای مبارزه با بیماری‌ها و تأمین سلامت جامعه چه برنامه‌ای دارد؟ و به دیگر سخن، طب در احکام و قوانین اسلامی چه جایگاهی دارد؟

جایگاه طب پیشگیری در اسلام

بررسی متون اسلامی به روشنی نشان می‌دهد که یکی از اهداف اصلی و حکمت‌های مهم احکام و مقررات اسلامی، طب پیشگیرانه، از طریق پیشگیری از بیماری‌ها و تأمین

سلامت انسان است. خداوند متعال، تصریح می‌کند که قرآن و برنامه‌های نورانی و حیاتبخش آن، جامعه بشر را به راه‌های تأمین سلامت، رهنمون می‌گردد:

﴿يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ﴾^۱

خداوند، هر که را از خشنودی او پیروی کند، به وسیله آن [کتاب] به راه‌های سلامت، رهنمون می‌شود.

و بدین سان، انسان می‌تواند با پیوند با خدا و برنامه‌هایی که او برای زندگی بشر ارائه کرده، به بزرگ‌ترین نعمت‌های الهی دست یابد و نه تنها آخرت، بلکه سلامت و سعادت و خوش‌بختی دنیای خود را نیز تأمین نماید:

﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ﴾^۲

هر کس پاداش دنیا می‌خواهد، [بداند که] پاداش دنیا و آخرت، نزد خداست.

بر این پایه، در اسلام، آنچه برای سلامت جسم و یا جان خطرناک و زیانبار است، حرام یا مکروه است و آنچه برای سلامت انسان، لازم و مفید است، واجب یا مستحب، و آنچه سود و یا زبانی برای جسم و یا جان ندارد، مباح شناخته شده است. این بدان معناست که طب پیشگیری در متن مقررات و احکام پنجگانه اسلام، تنیده شده و اجرای کامل و دقیق قوانین الهی در زندگی، سلامت جسم و جان انسان را به همراه دارد.^۳

امام رضا^{علیه السلام}، درباره حکمت مقررات الهی که بر انسان حلال و یا حرام شده است، می‌فرماید:

إِنَّا وَجَدْنَا كُلَّ مَا أَخْلَقَ اللَّهُ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - فِيهِ صَلَاحَ الْعِبَادِ وَبِقَاؤُهُمْ، وَ لَهُمْ إِلَيْهِ الْحَاجَةُ الَّتِي لَا يَسْتَعْنُونَ عَنْهَا، وَ وَجَدْنَا الْمُحَرَّمَ مِنَ الْأَشْيَاءِ لَا حَاجَةَ بِالْعِبَادِ إِلَيْهِ وَ وَجَدْنَاهُ مُفْسِدًا دَاعِيًا لِلْفَنَاءِ وَالْهَلَاكِ^۴

ما می‌بینیم هر آنچه که خداوند - تبارک و تعالی - حلال کرده، در آن، صلاح و بقای

۱. مانده، آیه ۱۶.

۲. نساء، آیه ۱۳۴.

۳. به استثنای مواردی که حکمت الهی به دلیل مسائل تربیتی بیماری فردی را اقتضا نماید (ر.ک: ص ۸۰، حکمت بیماری).

۴. علل الشرائع: ص ۵۹۲.

بندگان است و بدان نیازی گریزناپذیر دارند، و می‌بینیم همه آنچه که حرام شده است،
بندگان، بدان نیازی ندارند و می‌بینیم که همه، موجب تباهی و زمینه نابودی‌اند.

در این سخن، امام تصریح می‌فرماید که آنچه در مقررات الهی در زمینه‌های مختلف
(مانند: خوردن، آشامیدن، ازدواج و ...)، حلال شمرده شده، اموری است که مردم برای
تأمین سلامت، رفاه و آسایش خود، بدان نیاز دارند و مصالح زندگی و بقای آنها وابسته به
آن است و به عکس، آنچه تحریم شده، اموری است که نه تنها مورد نیاز مردم نیست، بلکه
به زیان سلامت و آسایش آنان و موجب هلاکت آنهاست.

www.Ketab.ir

۲ ارزیابی کلی احادیث طبّی

پیش از ارزشیابی احادیث طبّی، پاسخ دادن به سه سؤال اساسی در این باره، ضروری است:

سؤال اول: آیا علم پزشکی، مبدأ الهی دارد و متکی به وحی است؟ یا سرآغاز آن، تجربه انسان هاست؟

سؤال دوم: آیا پیشوایان دین، یعنی پیامبر اسلام و اهل بیت آن بزرگوار، از دانش پزشکی برخوردار بوده‌اند یا نه؟

سؤال سوم: بر فرض اطلاع آنان از دانش پزشکی، آیا اصولاً بنای دین، ورود به مسائل پزشکی و درمان انواع بیماری‌های جسمی بوده یا نه؟

۱. مبدأ علم طب

برخی از دانشمندان بر این باورند که علم طب، مبدأ الهی دارد و متکی به وحی است. اندیشمند و محقق بزرگوار شیخ مفید^۱ در این باره چنین می‌فرماید:

طب، [دانشی] است درست که آگاهی از آن، امری ثابت است و راه دسترس بدان نیز وحی است. آگاهان به این دانش، آن را تنها از پیامبران بهره گرفته‌اند؛ چه آن که نه برای آگاهی یافتن از حقیقت بیماری، جز به کمک سمع (ادلّه نقلی)، راهی هست، و نه برای آگاه شدن به درمان، راهی جز توفیق. بدین سان، ثابت می‌شود که یگانه راه این آگاهی، شنیدن از همان خدایی است که به همه نهنفته‌ها آگاه است.^۱

به نظر می‌رسد نیاز انسان‌های نخستین، ایجاب می‌کرد که «وحی»، برخی از دانش‌های

تجربوی ضروری برای زندگی را در اختیار آنان قرار دهد. مؤید این نظریه، مطلبی است که سید بن طاووس نقل کرده است:

إِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - أَهْبَطَ آدَمَ مِنَ الْجَنَّةِ، وَعَرَفَهُ عِلْمَ كُلِّ شَيْءٍ، فَكَانَ مِمَّا عَرَفَهُ النُّجُومُ وَالطُّبُّ.^۱

خداوند، آدم را از بهشت، فرو آورد و او را از آگاهی به همه چیز، برخوردار ساخت. نجوم و پزشکی، از جمله چیزهایی بود که خداوند، وی را از آنها آگاه کرد.

بنا بر این، می‌توان گفت که سرآغاز علم طب، آموزه‌های وحی بوده؛ اما تجربه دانشمندان نیز بدان افزوده شده و تدریجاً این دانش، گسترده‌تر شده و می‌شود؛ لیکن این ادعا که وحی، تنها راه رسیدن به این دانش است، علاوه بر این که متکی بر برهان عقلی و یا شرعی نیست، بطلان آن به وسیله تجربه ثابت شده است و آنچه از مرحوم شیخ مفید نقل شده که راه رسیدن به دانش طب، «السمع عن العالم بالخفیات» است، اگر مقصود، یکی از راه‌های رسیدن به این دانش باشد، صحیح است؛ وگرنه نمی‌تواند صحیح باشد.

۲. اهل بیت و دانش پزشکی

بررسی دقیق احادیثی که درباره ویژگی‌های علمی، سرچشمه‌های دانش‌ها و نیز انواع دانش‌های اهل بیت علیهم‌السلام به ما رسیده،^۲ نشان می‌دهد که پیامبر اسلام و اهل بیت آن بزرگوار، نه تنها از دانش پزشکی، بلکه از همه علوم، نه از راه تحصیل، بلکه از طریق الهام الهی برخوردار بوده‌اند، به گونه‌ای که هر گاه اراده می‌کردند چیزی را بدانند، می‌دانستند، چنان‌که امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

إِنَّ الْإِمَامَ إِذَا شَاءَ أَنْ يَعْلَمَ عِلْمَ^۳.

امام، آن‌گاه که بخواهد بداند، می‌داند.

به دلیل این دانش گسترده و علم خارق العاده بود که امام علی علیه‌السلام، مکرر خطاب به

۱. ر.ک: ص ۳۴ ح ۶.

۲. ر.ک: اهل بیت در قرآن و حدیث: ج ۱ ص ۲۵۳ (ویژگی‌های علمی اهل بیت علیهم‌السلام) و ص ۲۷۹ (درهای علوم اهل بیت علیهم‌السلام) و ص ۳۰۹ (مبادی علوم اهل بیت علیهم‌السلام).

۳. ر.ک: اهل بیت در قرآن و حدیث: ج ۱ ص ۳۳۳ (چگونگی علوم اهل بیت علیهم‌السلام).

مردم می‌فرمود: هر چه می‌خواهید، از من بپرسید:

سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقُدُونِي ، فَإِنَّ بَيْنَ جَنْبِيَّ عُلُومًا كَثِيرَةً كَالْبَحَارِ الزَّوَاخِرِ .^۱

از من بپرسید، پیش از آن که مرا از کف بدهید؛ چرا که در سینه من، به سان دریاهای بیکران، دانش‌های فراوان نهفته است.

همه امامان علیهم‌السلام از چنین دانشی برخوردار بوده‌اند و در پاسخ دادن به هیچ مسئله علمی‌ای در نمی‌ماندند. امام رضا علیه‌السلام در این باره می‌فرماید:

إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا اخْتَارَهُ اللَّهُ لَأُمُورٍ عِبَادِهِ شَرَحَ صَدْرَهُ لَذَلِكَ ، وَأَوْدَعَ قَلْبَهُ يَنَابِيعَ الْحِكْمَةِ ، وَالْأَهْمَةَ الْعِلْمِ الْهَامًّا ، فَلَمْ يَعِيَ بَعْدَهُ بِجَوَابٍ ، وَلَا يُحَيِّرُ فِيهِ عَنِ الصَّوَابِ .^۲

آن‌گاه که خداوند تعالی بنده‌ای را برای عهده‌داری کارهای بندگان خویش برگزیند، سینه وی را برای این کار، فراخ می‌سازد و سرچشمه‌های حکمت را در دل او به ودیعت می‌گذارد و دانش را به تمامی به او الهام می‌کند و از آن پس، او نه در پاسخی فرو می‌ماند و نه از راه صواب، سرگشته می‌گردد.

بنا بر این، بی‌تردید، پیامبر اسلام و اهل بیت او، از دانش پزشکی برخوردار بوده‌اند و اگر ثابت شود که در هر مسئله‌ای از مسائل مربوط به این دانش، چیزی فرموده باشند، قطعاً کلام آنان، مطابق با واقع است.

۳. دین و حرفه پزشکی

هر چند طب پیشگیری، چنان که توضیح دادیم، در متن مقررات دینی مورد توجه بوده و پیشوایان دینی، از دانش پزشکی برخوردار بوده‌اند؛ اما فلسفه دین، ورود در حرفه پزشکی نبوده است و از این رو، در روایات اسلامی، علم دین، قسیم علم طب است.^۳

همچنین اهل بیت علیهم‌السلام به عنوان یک حرفه، وارد مسائل پزشکی نشده‌اند. جدا کردن فقه (دین‌شناسی) از طب (پزشکی) و حرفه فقیهان از کار طبیبان نیز شاهد دیگری برای جدا بودن حوزه دین و حوزه علم طب است.^۴

۱. ر.ک: دانش‌نامه امیرالمؤمنین علیه‌السلام؛ ج ۱۰ ص ۳۳۱ (باب دهم: پیش از آن که مرا از دست بدهید، از من بپرسید).

۲. الکافی: ج ۱ ص ۲۰۲ ح ۱.

۳. ر.ک: ص ۳۳ ح ۱.

۴. ر.ک: ص ۳۳ ح ۲ و ۳ و ۵.

بنا بر این، ورود پیشوایان دین در مسائل پزشکی، مانند ورود آنان به سایر علوم، به صورت موردی و گاه به عنوان کرامت و اعجاز بوده، نه به صورت دائم و بدان نحو که مردم به دیگر پزشکان، مراجعه می‌کنند. بدیهی است که اگر مردم، اهتمام می‌ورزیدند و از دانش سرشار اهل بیت علیهم‌السلام بهره می‌جستند و به صورت متقن، آثار علمی آنان را ثبت و ضبط می‌کردند، امروز، ذخایر علمی و فرهنگی عظیمی در رشته‌های مختلف دانش، در اختیار بشر بود؛ اما متأسفانه، جایگاه علمی اهل بیت علیهم‌السلام شناخته نشد و آنچه از آنان به یادگار ماند نیز از نیرنگ سیاست‌بازان و دروغ‌پردازان، مصون نماند، به گونه‌ای که اکنون، دستیابی به میراث علمی آنان، نیاز به تلاش‌های فراوان دارد.

با عنایت به آنچه گفتیم، اینک به ارزشیابی احادیثی که از اهل بیت علیهم‌السلام درباره مسائل پزشکی به ما رسیده می‌پردازیم.

ارزیابی احادیث طبّی از نگاه شیخ صدوق

بزرگ‌محدثان شیعه، محمد بن علی بن بابویه قمی، معروف به صدوق علیه‌السلام احادیث طبّی را به گونه‌ای ارزیابی می‌کند که جز در موارد خاص، نمی‌توان به آنها اعتماد کرد. وی می‌نویسد:

عقیده ما درباره اخبار و احادیثی که درباره طب رسیده، آن است که این احادیث، بر چند گونه‌اند:

- برخی از آنها با نظر به آب و هوای مکه و مدینه گفته شده‌اند و به کار بستن آنها در دیگر شرایط آب و هوایی، درست نیست؛

- در برخی از آنها، معصوم علیه‌السلام برپایه آنچه از حال و طبع سؤال کننده می‌دانسته، پاسخ داده و از همان موضع، فراتر نرفته است؛ چه این که امام، بیش از آن شخص به طبع وی آگاهی داشته است؛

- برخی از آنها را مخالفان، با هدف زشت نمایاندن چهره مذهب در نگاه مردم در میان احادیث گنجانده‌اند؛

- در برخی از آنها، سهوی از راوی حدیث، سر زده است؛

- در برخی از آنها بخشی از حدیث حفظ شده و بخشی دیگر از آن، فراموش شده است؛

اما آنچه دربارهٔ عسل روایت شده که درمان هر دردی است، روایتی است صحیح و معنایش نیز این است که عسل، شفای هر بیماری‌ای است که از بُرودت طبع برخیزد. آنچه نیز دربارهٔ استنجا به آب سرد برای مبتلایان به بواسیر رسیده، در موردی است که بواسیر شخص، از حرارتِ طبع، سرچشمه گرفته باشد.

آنچه هم در مورد بادنجان و درمانگر بودن آن روایت شده، ناظر به هنگام رسیدن خرما و در مورد کسانی است که خرما می‌خورند، نه ناظر به دیگر اوقات.

در نهایت باید گفت: آنچه در مورد درمانِ درستی بیماری از امامان علیهم‌السلام رسیده، مضمون آیات و سوره‌های قرآن و یا دعاهایی است که به حکم سندهای قوی و طُرُق صحیحی که به واسطه آنها به ما رسیده‌اند، پذیرفته خواهند شد.^۱

بر اساس این ارزیابی، تنها بخشی از احادیث طبّی را می‌توان در اختیار افراد خاصی که آن احادیث مربوط به آنهاست، قرار داد و سایر احادیث طبّی را باید کنار گذاشت و تنها احادیثی که می‌توانند در اختیار عموم مردم قرار گیرند، احادیث صحیحی است که مردم را به درمان از طریق دعا و استشفای به آیات قرآن، دعوت کرده‌اند.

به نظر می‌رسد که هر چند سخن شیخ صدوق رحمته‌الله از نظر اصولی صحیح است، چون غالباً احادیث طبّی، فاقد سندند و زمینهٔ جعل در آنها به طور جدّی وجود دارد؛ لیکن حاصل این گونه ارزیابی، بی‌بهره شدن مردم از بخشی از ذخایر علمی اهل بیت علیهم‌السلام خواهد بود؛ زیرا ضعف سند، بی‌تردید، نشانهٔ عدم صدور حدیث نیست، چنان که درستی سند، نمی‌تواند دلیل صدور قطعی آن باشد. از سوی دیگر، قضاوت دربارهٔ این که شماری از درمان‌هایی که در احادیث آمده، ویژهٔ افراد خاص است نیز، کار آسانی نیست.

بنا بر این، نه می‌توان همهٔ این احادیث را به عنوان رهنمودهای پیشوایان دین در امر پزشکی در اختیار عموم گذاشت، و نه می‌توان به طور کلی آنها را کنار زد و از کتب حدیثی حذف کرد. پس چه باید کرد؟

۱. الاعتقادات، صدوق: ص ۱۱۵.